

# تبلیغ در بنگلادش

## گزارش یک سفر تبلیغی

سرکار محمد سمیع الحق / دانش پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن کشور بنگلادش از سه طرف با کشور هندوستان و از یک طرف با کشور میانمار هم مرز است و از جنوب به اقیانوس هند منتهی می شود. بنگلادش کشوری سرسبز و دارای آب و هوای معتدل است. برخلاف ایران تابستان های پربارانی دارد که این بارندگی تقریباً هشت ماه ادامه پیدا می کند، در نتیجه محصولات کشاورزی بسیاری دارد و سالانه از یک زمین سه بار محصول برداشت می شود.

### ادیان و مذاهب

بنگلادش دارای ۱۷۰ میلیون نفر جمعیت است که ۱۴۰ میلیون نفر آن مسلمان و بقیه اکثراً بت پرست و از بین مسلمانان ۲۴/۰۰۰ نفر شیعه و بقیه اهل سنت هستند.

### منطقه تبلیغی

کشور: بنگلادش / ایالت: داکا / شهر: غازیپور / بخش: نانگی / شهرک: ارشادنگر، دتاپرا، اوچیرا شهرک ارشادنگر دارای ۴۰/۰۰۰ نفر جمعیت است که از این بین ۲۰۰ نفر غیرمسلمان و ۱۵۰ نفر شیعه و ۳۹۶۵۰ نفر اهل تسنن هستند. نانگی با یک میلیون نفر جمعیت دارای دوازده شهرک است و در آن ۱۷۰ نفر شیعه وجود دارد که قبلاً اهل تسنن بوده اند.

سایر مناطق تبلیغی به شرح ذیل است:

- ایالت: داکا / شهر: غازیپور / بخش: کپاشا / شهرک: بیرزاللی.
- ایالت: میمنسینگ / شهر: زمالپور.
- ایالت: میمنسینگ / شهر: بیشگا.
- ایالت: چیتا گانگ / شهر: شهر مرکزی.



## یک حادثه تلخ

در نمازهای جماعت تقیه می‌کردم و تکبیره الاحرام را هسته می‌گفتم؛ به گونه‌ای که فقط خودم بشنوم اما، وهابی‌ها که از فعالیت‌های تبلیغی ما ناراحت بودند و در پی بهانه، این را متوجه شدند. یک روز بعد از نماز جماعت مؤذن مسجد از من پرسید: شما پیرو کدام مذهب هستید؟ چرا تکبیره الاحرام را بلند گفتی؟ به او گفتم اگر در نماز من اشکالی باشد آن را قبول می‌کنم و تکرار نمی‌کنم. بعد از نماز ایشان مرا به مدرسه‌ای که کنار مسجد بود برد. در آنجا چند نفر از طلاب اهل سنت نیز حضور داشتند. خود را معرفی کردم. مؤذن گفت که حافظ کل قرآن است و به غیر از مسائل روزمره از علوم دینی چیزی نمی‌داند. اکثر حافظان قرآن در بنگلادش معنای قرآن را نمی‌دانند و فقط حافظ قرآن هستند او نیز چنین بود) با آنکه می‌خواستم دو نفری مسئله را

حل کنیم، اما طلاب اهل تسنن را نیز وارد بحث کرد و خواست با عالم دینی آن‌ها صحبت کنم. پرسیدم: آیا بلند گفتن تکبیره الاحرام اشکال دارد؟ گفت: اشکال دارد پرسیدم: دلیل شما چیست؟ گفت: دلیل ندارم اما می‌دانم که اشکال دارد. چون زبان عربی را خوب نمی‌دانست نپذیرفت که به زبان عربی صحبت کنیم. به او گفتم: پس شما چگونه عالم دینی هستی که زبان عربی نمی‌دانی؟ اگر در پی جدال با من هستید، با شما جدال نمی‌کنم. مؤذن به من ناسزا داد و گفت: شما هم عالم دینی نیستی و مطالبی را در ایران یاد می‌گیرید و به اینجا می‌آید و فتنه ایجاد می‌کنید. چند روز بعد امام جماعت و رئیس کمیته مسجد به منظور حل اختلاف جلسه گذاشتند. من و تعدادی از شیعیان هم حاضر شدیم و برای

داوری دو نفر از مفتی‌های اهل سنت تعیین شدند. بعد از ارائه مطالب هر دو مفتی به نفع من رأی دادند و گفتند این مسئله به منظور ایجاد اختلاف و فتنه‌انگیزی به وجود آمده است و باید آن را حل کرد. حضار جلسه پرسیدند: چرا شما شیعه شدی و آن را تبلیغ می‌کنی؟ گفتم: برای من شیعه یا سنی بودن مهم نیست، من مسلمان هستم و به الله و خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی ﷺ اعتقاد دارم و امر خدا و رسولش و آیات قرآن را که هر حضرت محمد ﷺ نازل شده اطاعت می‌کنم و از شما می‌پرسم: آیا حضرت محمد ﷺ سنی بود یا شیعه؟ او مسلمان بود. در این هنگام یکی از وهابی‌ها با تعاریفی که در کتب اهل سنت از شیعه داشت. اعتراض کرد و گفت: باید تکلیف شیعیان روشن شود. هنوز حرفم تمام نشده بود که او با عده‌ای از اشرار به من حمله کردند. من که مرگ را جلوی چشمان خود می‌دیدم به اهل بیت متوسل شدم و با کمک دوستان از آن محل دور شدم.

آنها شب‌های متوالی افراد شرور را به منظور قتل من در خیابان‌ها می‌گماردند پس از شکایت، پلیس آنها را دستگیر کرد. آن روز، شخصیت‌ها و روسای مسجد بعد از نماز عصر جلسه‌ای گذاشتند و گفتند: از این به بعد

هیچ کس حق دخالت در کار دیگری را ندارد و من از شکایت خود صرف‌نظر کردم. اما وهابی‌ها همچنان بر اعتراضات خود علیه شیعیان اصرار دارند.

## مشکلات شیعیان منطقه

- ۱- دسترسی به معارف اهل بیت سخت است.
- ۲- شیعیان دچار مشکلات اقتصادی هستند.
- ۳- فعالیت شدید وهابیت و گسترش عقاید آنها.
- ۴- مشکلات امنیتی مسلمانان که فعلاً به دلیل وجود دولت موقت، امنیت خوب است، اما وهابی‌ها از فرصت استفاده می‌کنند و در بسیاری از مناطق از جمله تانگی به شیعیان حمله می‌کنند و پلیس جلوی درگیری‌ها را می‌گیرد.

## دو پیشنهاد:

بنگلادش یکی از بزرگ‌ترین کشورهای اسلامی است، اما شیعیان در آنجا در اقلیت هستند و همین تعداد نیز بعد از انقلاب اسلامی ایران به وجود آمده‌اند. لازم است در آنجا برای تبلیقات موقعیتی فراهم شود تا مبلغان بتوانند به راحتی تبلیغ کنند و نتیجه خوبی به دست آورند و من دو پیشنهاد دارم:

- ۱- بودجه‌ای برای ترجمه کتاب فراهم شود زیرا کتابهای شیعی در آنجا کم است.
- ۲- به منظور تشویق مبلغان محلی، آنها را به کنفرانس‌های بین‌المللی دعوت کنند تا ایران را از نزدیک ببینند.

## یک اقدام

در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۴ برای تأسیس یک مؤسسه شیعی زمینی به مساحت ۴۵۰ مترمربع در مرکز شهر تانگی خریدم. قیمت آن در حال حاضر ۳۰۰/۰۰۰ دلار است.

طبقات مورد نظر برای ساخت به شرح ذیل است:

۱. مسجد و حسینیه
۲. کتابخانه
۳. منزل شخصی
۴. دانشکده

در سال ۱۳۸۵ اطراف زمین را دیوار کشیدم و یکی از علمای اهل سنت پیشنهاد تأسیس یک مدرسه حفظ قرآن را داده است که به دلیل نتایج خوب آن با این کار موافق هستم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ